

دودمه تازیر طاق حرم



از کوچه خانه پدری ما تا خود ضریح اگر پا تند کنی، لاید یک ربع، بیست دقیقه ای راه بیشتر نیست و ما تا چند سال پیش توی هر مناسبتی این مسیر را بارها و بارها رفته و آمده بودیم. مرسوم و معمول هیئت های محله هم این بود که سر هر مناسبتی، کل این مسیر را «دودمه» بروند تا وسط

صحن کهنه و آنجا بیست دقیقه نیم ساعتی دم بگیرند و یا... کنند. «دودمه» اصطلاح مشهوری است توی هیئت های مشهد. اسبابش هم دو تا پلاکارد است و شش هفت تا بیت متفاوت عزاداری و این حکایت همه عزاداری های محله ما بوده است در همه این سال ها. مردان مشکلی پوش دو گروه جمع می شدند.

جلوی هر گروه یک پلاکارد می آمد که رویش یک مصرع نوشته شده بود. پشت سر جمع خانم ها و مقابل همه جمع هم بیرق و پرچم هیئت بود.

باری از مسجد سر چمن ۳۷ راه افتادیم. جمع صد، صد و پنجاه نفری می شدند. مسیر به سمت چهارراه مصلی بود و بعد از آن باید می پیچیدیم طرف پایین خیابان و حرم. پلاکارد های دودمه اول مسیر بالا رفت، مثل همیشه «شیخ موسی الرضا اسدی»، روحانی محله که توی مداحی، همیشه بسیار سنت گرا بوده است، دم را برای جمع خواند. پلاکارد



روزنامه نگار مسعود نبی دوست

اول: «دختر بدرالدُجا امشب سه جا دارد عزرا! آه و واویلا! آه

و واویلا!، و گروه اول همراهی می کردند. پلاکارد دوم: «گاه می گوید پدر، گاهی حسن، گاهی رضا/ آه و واویلا! آه و واویلا!»

مراسم از دم چهارراه شیرودی گرم و گرم تر می شد. به رسم دودمه، هر گروه هم زمان با خواندن دشان، راه می رفتند و تا دم تمام می شد، می ایستادند. گروه اول می خواند و می رفت و می ایستاد. بعد گروه دوم می خواند و فاصله عقب مانده را جبران می کرد.

وسط مسیر یکی دو بار، دم های جدید را روی پلاکاردها چسباندند. یکی دو بار شیخ موسی الرضا دم ها را آموزش وار با جزئیات ادا کرد و مسیر را رفتیم. از مصلی و میدان اعدام رد شدیم. پایین خیابان را دودمه گویان گذشتیم و از گیت ها رفتیم داخل. تا اینجا ی کار همه چیز به روز و معمول بود، یک مسیر همیشگی.

بعد باید وارد بست می شدیم و من می دانستم که زیر طاق ورودی صحن کهنه، ما بچه ترهای جمع، شور عجیبی می گیریم. علتش هم این بود که صدا توی محیط زیر طاق می پیچید و ما انگار حال بهتری پیدا می کردیم از اینکه ملت به تماشا ایستاده اند.

ادامه دارد.....

بریده کتاب

سوگ نامه ای برای بانو

فاطمه جان! خاطر تو را نه فقط بدین خاطر می خواهم که تو دختر منی، تو سیده زنان عالمیانی. تو برترین زن عالمی. خدا تو را چنین برگزیده است و خدا به تو چنین عشق می ورزد. این را من از خودم نمی گویم. کدام حرف را من از جانب خودم گفته ام؟ آن شب که به معراج رفته بودم، دیدم که بر در

بهشت به زبیا ترین

خط نوشته است: خدایی جز خدای بی همتا نیست. محمد (ص) پیامبر خداست. علی (ع) مشوق خداست. فاطمه (ص)، حسن (ع) و حسین (ع) برگزیدگان خدا هستند و لعنت خدا بر آنان که کینه ورز این عزیزان

پهشت به زبیا ترین

خط نوشته است: خدایی جز خدای بی همتا نیست.

محمد (ص) پیامبر خداست. علی (ع) مشوق خداست.

فاطمه (ص)، حسن (ع) و حسین (ع) برگزیدگان خدا هستند و لعنت خدا بر آنان که کینه ورز این عزیزان

چکامه های فاطمی

تا در بیت الحرام از آتش بیگانه سوخت

کعبه ویران شد، حرم از سوز صاحب خانه سوخت

شمع بزم آفرینش با هزاران اشک و آه

شد چنان کز دود آتش، سینه کاشانه سوخت

آتشی در بیت معمور ولایت شعله زد

تا ابد ازان شعله هر معمور و هر ویرانه سوخت

آه از آن پیمان شکن کز کینه خم غدیر

آتشی افروخت تا هم خم و هم پیمانها سوخت

لیلی حسن قدم چون سوخت از سر تا قدم

همچو مجنون، عقل رهبر را دل دیوانه سوخت

گلشن فرخ فر توحید آن دم شد تباه

کز سموم شرک آن شاخ گل فرزانه سوخت

گنج علم و معرفت شد طعمه افعی صفت

تا که از بیداد دنوان گوهر یکدانه سوخت

حاصل باغ نبوت رفت بر باد فنا

کرکس دون پنجه زد بر روی طاووس ازل

عالمی از حسرت آن جلوه مستانه سوخت

غروی اصفهانی

شهید

محمدرضا اسدی رازی



تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۳/۰۲

محل تولد: مشهد

محل شهادت: شلمچه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

میثاق نامه اخلاق حرفه‌های

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۳/۰۲

محل تولد: مشهد

محل شهادت: شلمچه

اول شخص

تأسی به نام مقدس زهرا(س) در تنگنای حادثه ها

یادی از فرنگیس حیدرپور، زن قهرمان غیرنظامی در جنگ تحمیلی

تنگنای حادثه که فرامی رسد، آدمی قوت قلبی می خواهد و دل گرمی که بتواند دل به خطر بزند، رمزی، نامی، تکیه گاهی تا قدم هایت را استوار کند و بتوانی تردید را کنار بگذاری، بزنگاهی که به قول شهید آوینی باید میان عقل و عشق یک راه را انتخاب کنی و آن یک راه اگر دل باشد، مقصد دل کنند از همه تعلقات دنیایی باشد. این حکایت سال های دفاع مقدس بود و عملیات هایی که با تأسی به نام ورمز اهل بیت (ع) رقم خورد. آنچه از میان خاطرات و مستندات سال های دفاع مقدس برجای مانده، این است که نام مقدس زهرا(س) حتی سر بند مزین به آن، قوت دل مردان آن روزها بود در بسیاری از عملیات ها که از میان آن ها، می توان به کر بلا ی ۵ و کر بلا ی ۶، نصر ۵، فتح ۷ و بیت المقدس ۱۲ اشاره کرد، عملیات هایی که مرد میدان می خواست امانه فقط مرد میدان که چه شیر زانی از دل آن سال های پرخطر نامشان جاودانه شد.

نمی دانم نام فرنگیس حیدرپور را شنیده اید؟ هجده ساله بود که پس از حمله عراق به روستای اوزین، وقتی مردم همه از هراس به اطراف



روزنامه نگار ملیحه جهان بخش



که جز شکست، راهی برایش نمی ماند. بخوانید کارنامه های عملیات های دفاع مقدس را تا ببینید به این نام، چه غیرتی می ورزیدند لشکریان ایرانی و آخرالزمانی حضرت مادر. هر جا به مشکل می خوردیم، هم نام و یاد او بود که راه را باز می کرد و گر هارامی گشود، به نام نامی او بود که ترس را به حاشیه می راندیم تا شجاعت، قدرت را به غیرت غنی سازی کند در میدان، ما خود را فرزندان بی بی می دانستیم و تیرا گرمی خوردیم، ترکش اگر زخم آچینمان می کرد، نام او را صدا می زدیم. ... اکبر که جواب هم می گرفتیم.

... اکبر که از آرامش سرشار می شدیم. ... اکبر که توان ایستادن می یافتیم. مادر این رابطه نه تنها لحظه ای تردید نمی کردیم که از یقین سرشار بودیم. اگر نبود این نسبت، چه چیزی می توانست ما را به کانون خطر بکشاند؟ آنجا چه می کردیم که ادامه کر بلا یش می خواندیم؟ باور داشتیم هر کس کر بلا یی باشد، می تواند خود را فرزند بافضل عقیدتی حضرت زهرا بخواند. همین باور بود که هجده سده جهاد را برای ما تبیین می کرد.



روزنامه نگار غلامرضا بنی اسدی

حضرت زهرا(س) برای ما مادر بود، برای همه ما هایی که لباس رزم پوشیده بودیم تا در کر بلا یی مکرر، در کنار سیدالشهدا ایستیم. حرف شناسنامه و شجره نامه و سیادت نبود، حرف سعادت ی بود که ریشه در نسبت با حضرت فاطمه (ص) داشت. حرف ایستادن در سپاه همیشه در حرکت حضرت حسین (ع) بود که نسبت ما را با حضرت مادر تعریف می کرد.

حرف کلام واجب الحرمه رسول اعظم الهی بود که فرمود: «من و علی، دو پدر این امت هستیم.» حرف کلام خود بی بی (ص) است که فرمود: «پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) دو پدر امت اسلام هستند که اگر مردم از آن ها پیروی کنند، کجی ها و انحرافاتشان را اصلاح می کنند و آن ها را از عذاب جاویدان نجات می دهند و اگر همراه و باورشان باشند، نعمت های همیشگی خداوندی را از زانی شان می دارند.» بر همین اساس که علی را علیه السلام پدر می دانستیم، همه ما خود را فرزندان حضرت مادر می خواندیم. چنین بود که نامش، غیرت را در رگ ها فوران می کرد. ما به اسم حضرت زهرا(س) حساس بودیم و هر وقت رمز عملیات، «بازهرا(س)» اعلام می شد، چنان بر دشمن می تاختیم



سوگوارهای که به موکب نهم رسید

سوگواره «نگین شکسته» که امسال برای نهمین بار در مشهد میزبان هنردوستان و عشاق اهل بیت (ع) است، حکایت رنج ها و اتفاقات مهم تاریخ اسلام است؛ اتفاقاتی که در قالب نتاتر به مخاطبان ارائه می شود. دادخواهی حضرت زهرا (س)، خطبه ایشان، قبرستان بقیع و مراسم تشییع پیکر حضرت زهرا (س) به روایت سلمان فارسی بخشی از موضوعات این سوگواره است. نخستین اجرای این نمایش دلشرب به روی صحنه رفت و این شب ها در طبقه ۱۳ برج آسمان مشهد میزبان علاقه مندان است.

عکس: محمد حسن صلاتی ا شهرآرا

عکس روز



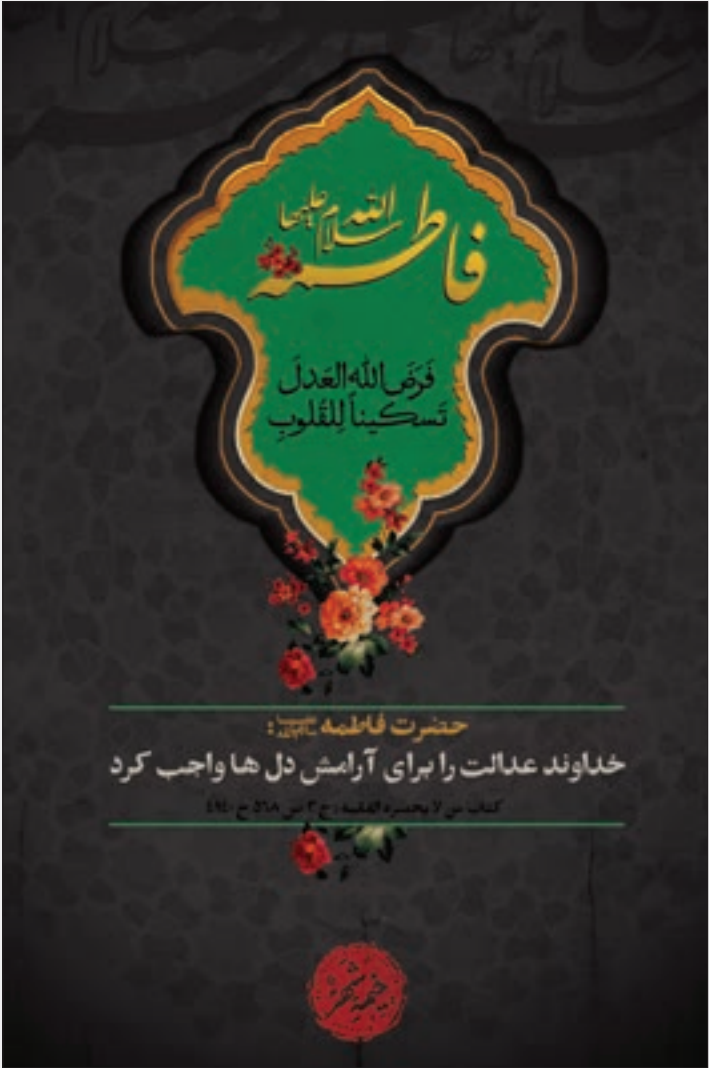
اذان ظهر ۱۱:۲۳:۲۵ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۱۸

غروب آفتاب ۱۶:۱۶:۲۵ اذان صبح فردا ۰۵:۰۰:۵۳

اذان مغرب ۱۶:۳۶:۴۵ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۱:۱۲

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی:
- شهرداری مشهد:
- مدیر عامل:
- مدیرمسئول:
- سردبیر:
- نشرانی: میدان شهدا:
- نبش دانشگاه ۱:
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۷۸۸۸۸۱
- نمایان: ۳۷۳۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۳۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

جدیث گرافنی



طرح: جلال حاجی زاده

واکوبه های فاطمی

ما می گوئیم فاطمه، اما خدا کوثر صدایش می کند

درباره حضرت زهرا(س) هرچند تمام کلمات این عالم، نمی توانند ارادت به بانوی دوعالم را بازگو کنند

■ کاش اولین نوری که امام زمان (عج) با

آمدنش روشن می کند، شمع ی بر قبر مادرش زهرا باشد.

■ گفت: به عشق فاطمه (ص) سیاه

می پوشم تا قلب تیره ام را روشن کند.

■ خواستم بگویم کاش ضریحی داشتی تا دستم را از آن بگیرم، ولی یادم آمد

عباس، دست همه را گرفت، بدون اینکه دستی داشته باشد!

■ هر کس قدر و منزلت چادر خاکی تو را

دانست، گردوغباری بر دلش نخواهد نشست.

■ می نویسیم سیلی، می خوانیم سیلی که از چشم ها راه افتاد.

■ کسی که بخواهد سردرگمی اش خاتمه پیدا کند، باید راهش را با سخنان فرزندان فاطمه (ص)

پیدا کند.

■ هر وقت زمینی ها سوره کوثر می خوانند،

فرشتگان آسمان، نوای بازهرا(ص) می شنوند.

■ ما می گوئیم فاطمه (ص)، اما خدا کوثر صدایش

می کند!

■ وقتی اشک های بی وقفه اش که به خاطر حضرت زهرا(ص) می ریخت، به اشک هایی که

برای امام حسین (ع) می ریخت وصل شد، خداوند

هم او را به خیل بندگان شایسته خودش وصل

کرد.

ونوا آوا

هنرمندان زیادی برای نشان دادن ارادت خود به حضرت زهرا (ص) آثار متعددی تولید کرده اند که در این بین قطعه «یا فاطمه بنت نبی» با صدای مرحوم ناصر

عبداللهی که سروده «علی معلّم دامغانی» است، طرفداران زیادی

دارد و بارها از صداوسیما پخش شده است.

برای شنیدن این اثر موسیقایی کد

زیر را اسکن کنید.

